

قوسی شوشتری، ادیب گمنام دوره صفوی

عباس بگ جانی*

چکیده

قوسی شوشتری، شاعر، مؤلف و خوشنویس سده دهم و یازدهم هجری از جمله ادیبانی است که در کنار هنر شاعری، در حوزه‌های مختلف علمی و ادبی نیز صاحب تألیفات متعدد بوده است. با این همه امروزه آگاهی چندانی از شخصیت و شعر او در دست نداریم. در این مقاله با جست‌وجو در منابعی که از این ادیب دوره صفوی نام برده‌اند، درباره زندگی، تألیفات، اشعار و دست‌نوشته‌های او اطلاعاتی تازه ارائه شده است که نشان می‌دهد او در روزگار خود شهرت و اعتباری داشته است و اهل فضل از آثار او بهره‌ها برده‌اند. کلیدواژه‌ها: مجدالدین علی قوسی شوشتری، شاعران شوشتر، شعر دوره صفوی، خوشنویسی.

۱. مقدمه

با تأسیس حکومت صفوی در سال ۹۰۷ق و اصرار شاهان این سلسله بر پرهیز شاعران از سرودن اشعار مدحی درباره ایشان و پرداختن به مناقب و مراثی اهل بیت، سنتهایی از قبیل حضور شاعران در دربار و سرودن قصاید مدحی که از لوازم شکوه و جلال دستگاه حکومت به شمار می‌آمد، بسیار کمرنگ شد. در نتیجه این

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی / abbas.begjani@gmail.com

اوضاع شاعران این عهد دو گروه شدند: عده‌ای همچون صائب (م ۱۰۸۱ق) مایوس از بی‌اعتنایی‌های دربار صفوی، راه هند را در پیش گرفتند و اغلب در دربار گورکانیان هند به جایگاهی فراتر از آنچه می‌پنداشتند، دست یافتند؛ شماری دیگر همچون محتشم کاشانی (م ۹۹۶ق) در ایران ماندند و به مرثیه‌سرایی و ذکر منقبت امامان پرداختند.

بی‌اعتنایی به شعر و شعرا در این دوره به طور کلی همه جا به چشم می‌خورد. اما شعر در واقع از مدتها قبل و حتی اندکی پیش از ظهور صفویه هم احساس کرده بود که برای بقای خود می‌بایست در بیرون از چهاردیواری دستگاه ملوک و امرا، پناهگاه ایمن‌تری برای خویش بجوید و از این جمله مخصوصاً غزل اندک‌اندک به چارسوها و بازارها و مجالس محترفه روی آورد (زرین‌کوب ۱۳۶۳: ۱۰۱).

با نفوذ شعر در میان طبقات عامه تعداد شاعران این دوره به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت و نیاز به آگاهی از احوال آنان، سنت تذکره‌نویسی را رونقی تازه بخشید. بسیاری از تذکره‌های مشهور همچون *تحفة سامی* (تألیف ۹۵۷ق)، *هفت اقلیم* (تألیف ۹۹۶-۱۰۰۲ق)، *خلاصه‌الاشعار* (تألیف ۹۷۵-۱۰۱۶ق) و *عرفات‌العاشقین* (تألیف ۱۰۲۲-۱۰۲۴ق) در این روزگار به رشته تحریر درآمده‌اند و اوراق آنها انباشته از ذکر احوال و اشعار شاعرانی است که هر یک در شاعری صاحب جایگاهی متفاوت است.

از مجموع شاعران یادشده، معدودی تالی استادان سده‌های هشتم و نهم‌اند و بعضی اگرچه گویندگانی متوسط‌اند اما نمی‌توان اثرهایشان را نادیده گرفت زیرا در حکم دانه‌های زنجیر تحول زبان و فکر در عهد خودند و نباید ناشناخته بمانند (صفا ۱۳۵۶: ۵/۶۳۶).

قوسی شوشتری یکی از این گویندگان است که به سبب فراوانی تعداد شاعران این عهد، شخصیت و شعر او در بوتۀ اجمال و غبار فراموشی مانده و جایگاه او چنان‌که باید شناخته نشده است. در این مقاله با جست‌وجو در منابعی که از این ادیب و

شاعر عهد صفوی نام برده‌اند، اطلاعاتی تازه از زندگی، تألیفات، اشعار و دستنوشته‌های او ارائه شده است.

۲. شرح احوال

مجدالدین علی متخلص به قوسی^۱، شاعر، مؤلف و خوشنویس سده‌های دهم و یازدهم هجری و اهل شوشتر است. از جزئیات زندگی او اطلاع چندانی نداریم. در سال ۹۹۵ ق در شوشتر سرگرم کتابت مجموعه‌ای از دیوانهای شاعران مختلف بود.^۲ مدتی را نیز در شیراز به مصاحبت تقی‌الدین اوحدی گذراند (اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶) و پس از آن، به بغداد رفت و مدتها مجاور عتبات بود و بعضی اوقات جهت اخذ مقرری از شاه عباس صفوی (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ ق)، به ایران می‌آمد و از صحبت علمای دربار او، به‌ویژه شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) بهره‌مند می‌شد (سیستانی، خیرالبیان، گ ۱۲۴). در بغداد با فوجی نیشابوری (م ۱۰۷۵ ق) به سر می‌برد (حسینی شوشتری، فردوس، ص ۴۴) و براساس ترقیمه نسخه‌ای از دیوان خاقانی به خط خود او (نک: ادامه مقاله) در ۹۹۹ ق در کربلا بود. در آنجا با ضعیفی و قربی دماوندی مناقشاتی داشت^۳ (اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۴۱۷۰)، همچنان‌که در اصفهان نیز میان

۱. از شاعران دیگری که تخلص «قوسی» داشته‌اند می‌توان این افراد را نام برد: قوسی اسفراینی (نوایی ۱۳۶۳: ۷۳)، ملا قوسی هراتی (همان: ۱۶۷؛ آذر بیگدلی، آتشکده، ج ۲، ص ۴۹۹)، قوسی تبریزی (نصرآبادی، تذکره، ص ۳۹۷؛ سام‌میرزا، تحفه، ص ۱۳۹).

۲. قوسی در ترقیمه دیوان شمس طبسی (طبسی، دیوان، چهل و هفت) که بخشی از این مجموعه است، نوشته است: هذا ما وجدنا من اشعار قدوة الفضحاء و المتكلمين اسوة الشعراء المتقدمين القاضى شمس الحق و الدين الطبسى قد حرره لنفسه تراب اقدام مساكين مجدالدین علی القوسی السوستری بلغه الله بعین علی مقصده و مرامه بحق النبی و الولی و السلام علی من اتبع الهدی فی غرة شهر ربیع الثانی سنة ۹۹۵ خمس و خمسين تسعمائة الهجرية بدار المسكنة السوستر حفظه الله تعالی عن السخط.

۳. مُلکی سرکانی (م ۱۰۰۴ ق) در این موضوع سروده است:

قوسی ار شیر شد ضعیفی را
بیش قربی بود چو روبه لنگ
گر به شیر است در گرفتن موش
لیک موش است در مصاف پلنگ

(اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۴۱۷۰)

او و ملا شانی تکلو و حکیم شفایی و دیگران مباحثات فراوانی در گرفته بود (همان، ج ۶، ص ۳۴۷۶).

مهم‌ترین ممدوح قوسی در این سالها سنان پاشا (م ۱۰۰۴ ق)، از رجال و وزرای اعظم دولت عثمانی (مصاحب، دایرةالمعارف، ج ۱، ذیل سنان پاشا) و حاکم بغداد است که قوسی چندین قصیده و ترجیع‌بند در مدح او سروده است و ضمن آنها به مسائلی تاریخی مانند فتح نهاوند توسط سنان پاشا اشاره کرده است (قوسی، مجموعه، گ ۱۱، ۱۸). قوسی با سرودن این اشعار به خیل مقربان درگاه حاکم بغداد پیوست و از انعام او برخوردار شد. او چندی بعد در یکی از قصاید خود از سنان پاشا تقاضا کرد که اسباب سفر فرزندان و منسوبان شاعر را نیز به بغداد فراهم کند:

مرا در شوشتر هستند منسوبان و فرزندان

کزیشان خاطری دارم به دست غصه زندانی

من اینجا دور ازیشان مستعد صد گرفتاری

چنان کایشان در آنجا مبتلای صد پریشانی

کنون دارم هوای آنکه در بغدادشان آرم

که در ظلّ تو شاید بگذرد عمرم به آسانی

ولیکن وقتی این معنی ز قوّت سوی فعل آید

که الطاف تو گردد قوّت و فعل مرا بانی

(همان، گ ۱۲)

یکی از قصاید او در مدح سنان پاشا از حضور او در استانبول حکایت می‌کند (همان، گ ۱۵) و یادداشت او در حاشیه یکی از نسخه‌های نفحات الانس محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره «ف ۲۳۴۹» نشان می‌دهد که این واقعه

مربوط به سال ۱۰۰۳ ق بوده است.^۴

قوسی احتمالاً پس از مرگ سنان پاشا در سال ۱۰۰۴ ق به ایران بازگشت. وی در سال ۱۰۰۷ ق در مشهد سکونت داشت^۵ و ظاهراً از همان جا به اردوی شاه عباس صفوی پیوست که به عزم فتح بلخ به حرکت درآمده بود و مدتی بعد در سال ۱۰۱۱ ق، در راه بازگشت درگذشت^۶ (سیستانی، خیرالبیان، گ ۱۲۴؛ اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶) و او را در اندخود^۷ دفن کردند. (منشی، عالم آرا، ج ۲، ص ۱۰۱۶).

نکته قابل ذکر درباره قوسی، نوعی دوگانگی (اگر نگوییم نفاق) در عقاید مذهبی اوست. او در یکی از قصاید خود در مدح سنان پاشا که سنی مذهب است، به ذم و سرزنش تشیع پرداخته و آن را بدعتی صدساله خوانده است:

در مقامی که مدت صد سال	بدعت رفض بُد رواج پذیر
بهر بسط و اشاعه سنت	بهر رفع و ازاله تزویر
به قوانین شرع از آنگونه	متمسک شدی قلیل و کثیر
که به طوع و رضا عوام و خواص	جاهل و عالم و صغیر و کبیر
کرده تقلید مذهب تو شعاع	سوی تحقیق یافتند مصیر

(قوسی، مجموعه، گ ۱۸)

۴. قوسی در این یادداشت درباره ارزش و امتیاز این نسخه نظری اظهار کرده است که مصحح دانشمند کتاب *نفحات الانس*، بنا به قرائنی، حدس او را تأیید کرده است (نک: جامی، *نفحات*، ص پنجاه و یک).

۵. این نکته از جنگ شماره ۵۳۷ محفوظ در کتابخانه بزرگ حضرت آیتالله مرعشی به دست می آید. بخشی از این جنگ منتخباتی است پراکنده از کتاب «*تأویل الآیات الظاهره*» تألیف شرفالدین علی استرآبادی (متولد نیمه دوم سده دهم) و در اثنای آن (گ ۱۱۴) یادداشتی از مجدالدین علی قوسی شوشتری دیده می شود که به تاریخ ۱۰۰۷ ق در مشهد مقدس و به خواهش صاحب جنگ نوشته است (حسینی اشکوری ۱۳۷۱: ۲/۳۸).

۶. تاریخ لشکرکشی شاه عباس به بلخ و عقب نشینی از آنجا مربوط به وقایع سال ۱۰۱۱ ق است (نک: تاریخ ایران در دوره صفویان، ص ۸۲).

۷. شهری در استان فاریاب در شمال غربی افغانستان.

اما چنان‌که گفتیم، پس از مرگ سنان پاشا به دربار شاه عباس صفوی پیوسته است و قطعاً در این هنگام شیعه‌مذهب بوده و سخنانی از این دست بر زبان نمی‌رانده است.

۳. مقام علمی و ادبی

اغلب تذکره‌نویسان از مرتبه‌الای علمی قوسی سخن گفته‌اند و شعر و خط خوش او را ستوده‌اند (اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶؛ بهادر، شمع‌انجمن، ص ۶۰۳؛ حسینی شوشتری، فردوس، ص ۷۸؛ نصرآبادی، تذکره، ج ۱، ص ۳۹۷). مؤلف صحف/ابراهیم درباره‌ی او نوشته است: «تتبع اشعار فارسی و عربی بسیار کرده و در علم تاریخ نهایت استحضار داشته» (علی ابراهیم خلیل، صحف، گ ۲۸۴). سراج‌الدین علیخان آرزو از او با عناوینی چون زبان‌دان (آرزو، مثمر، ص ۲۷۹) و رئیس‌المحققین (همو، سراج، ص ۷۴) یاد می‌کند. تنوع تألیفات قوسی در حوزه‌های مختلف نیز، به نوعی، گفته‌های تذکره‌نویسان را تأیید می‌کند.

۴. تألیفات

از اشارات تذکره‌نویسان و فرهنگ‌نویسان می‌توان دریافت که قوسی صاحب تألیفاتی در حوزه‌های مختلف ادبی و تاریخی بوده که هیچ‌یک به دست ما نرسیده است. به گفته‌ی مؤلف تذکره‌ی خیرالبیان (سیستانی، خیرالبیان، گ ۱۲۴) «مولانای مزبور را در همه علم تصانیف مرغوب است.» تألیفاتی که به او نسبت داده‌اند، عبارت‌اند از:

۴.۱. تذکره‌ی شاعران

واله داغستانی (ریاض، ص ۱۸۰۶) در شرح احوال قوسی می‌نویسد: «... تذکره‌ی شعرا نیز نوشته است، لیکن به نظر راقم حروف نرسیده. معلوم هم نیست که مشهور شده باشد یا نه.» در صحف/ابراهیم (علی ابراهیم خلیل، صحف، گ ۲۸۴) نیز به این تذکره

و عدم رواج آن اشاره شده است. ظاهراً این تذکره همان است که خوشگو (سفینه، ص ۲۳۰) در ذکر درویش دهکی، مطلبی از آن نقل کرده است: «مولانا مجدالدین قوسی در مسودات خود نوشته که وی در اوایل به صنعت جولایی اوقات می‌گذرانید و نسبت به حضرت مولانا جامی معارضه داشته.»

۲.۴. جواهرنامه

از سخن خان آرزو در کتاب مثمر چنین می‌نماید که قوسی مؤلف جواهرنامه‌ای نیز بوده که نسخه‌ای از آن باقی نمانده است، هرچند، با توجه به موضوعات آثار دیگر او انتساب چنین تألیفی به قوسی ضعیف به نظر می‌رسد و این احتمال نیز هست که این قوسی، شخص دیگری بوده باشد: «... و بهرمان رنگ سرخ نیست چنانکه هم قوسی در جواهرنامه نقل کرده که بهرمان گل است در هندوستان در غایت طراوت...» (آرزو، مثمر، ص ۱۹۰).

۳.۴. دیباچه دیوان خاقانی

مؤلف تذکره نصرآبادی در ذکر احوال قوسی می‌نویسد: «از منشآت او آنچه به فقیر رسیده دیباچه دیوان خاقانی است. مرحمت پناه میرزا مهدی وزیر کوه‌گیلویه آن دیباچه را نوشته، تعریف او بسیار می‌کرد و سخن او سند است» (نصرآبادی، تذکره، ج ۱، ص ۳۹۷). نسخه‌ای از دیوان خاقانی به خط قوسی در کتابخانه مجلس محفوظ است (نک: ادامه مقاله) اما دیباچه آن که تألیف قوسی بوده، برجای نمانده است.

۴.۴. فرهنگ قوسی

یکی از منابع مهم علی‌خان آرزو در تألیف سراج‌اللغه فرهنگ قوسی بوده که بارها از آن نام برده و مطالبی را از آن نقل کرده است:

یکی از فضایل عصر شاه عباس صفوی که مسمی است به مجدالدین علی متخلص به قوسی متوطن شوشتر، فرهنگنامه نوشته و مسوده آن به خط مصنف به فقیر آرزو رسیده، خالی از تدقیق و تحقیق نیست و بر فرهنگ میرزا ابراهیم اعتراضات دارد و معیار جمالی استاد شمس فخری را قابل وثوق نپنداشته ... (آرزو، مثمر، ص ۴۶).

خان آرزو در *سراج‌اللغه* (ذیل مدخل «بن») مطالبی را از قوسی نقل می‌کند که تاریخ تألیف این فرهنگ (۱۰۰۹ق) را آشکار می‌کند:

انتشار آشامیدن قهوه در مُلک روم به چهل سال الی یومنا هذا که سنه تسع و الف است وقوع یافته و فی الواقع شهرت آن در آن ممالک به نوعی است که هیچ مجلس و هیچ صحبت بلکه هیچ خلوت نیست که بی قهوه بگذرد (نوشاهی ۱۳۸۱: ۴۱).

مؤلف دیگری که از فرهنگ قوسی در تألیف کتاب خود سود جست نجم‌الغنی خان صاحب رامپوری مؤلف *نهج‌الادب* است. وی در مبحث حذف (رامپوری، *نهج‌الادب*، ص ۲۱۱) و مبحث ضمائر (همان، ص ۳۱۱) به نقل مطالبی از مجدالدین علی قوسی پرداخته و در پایان این کتاب (همان، ص ۸۲۱)، فرهنگ قوسی را از جمله کتابهای مورد استفاده خود ذکر کرده است.

در فرهنگ رشیدی (ذیل مدخل)، فرهنگ *آندراج* (ذیل مدخل «تاج») و *بهار عجم* (ذیل مدخل «گیوه» و «ارده») نیز از فرهنگ قوسی مطالبی نقل شده، اما روشن نیست که مؤلفان این فرهنگها خود این فرهنگ را در اختیار داشته‌اند یا مطالب آن را از منبعی دیگر اخذ کرده‌اند.

۴.۵. رساله سکتته

خان آرزو در آثار خود (تنبیه، ص ۱۱؛ متمر، ص ۳۵۷؛ *سراج*، ص ۷۴) یکی دیگر از تألیفات قوسی را *رساله سکتته* ذکر کرده و به نقل برخی مطالب آن پرداخته است. ظاهراً این رساله همان است که تقی‌الدین اوحدی (عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶) علت تألیف آن را چنین گزارش کرده است:

شانی به وی [قوسی] اطلاق ناموزونیت کرده بود و وی بر طبق مدعای خود رساله‌ای تألیف نموده و از استادان هر یک اشعار آورده و از هر یک اسناد مکرره ظاهر ساخته و الحق مصرعی که متنازع فیه بود از قدمای شعرا بسیار به آن روش گفته‌اند، چه به تقطیع درمی‌آید

اما به سبب نزاکت طبع، متأخرین از آن احتراز واجب شمرند و آن را موزون قدما نامند و مصراع مابه‌النزاع که قوسی گفته این است: «خلل پذیرفت قسطنطنیه را ارکان»^۸

۴.۶. کتابی در تاریخ

بنا به اشاره تقی‌الدین اوحدی (عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶) قوسی در حال تألیف کتابی نفیس بوده است «مبنی بر اکثر علوم، خصوص تواریخ» اما نمی‌دانیم که آن را به انجام رسانده یا نه. گویا اشاره‌ی واله داغستانی (ریاض، ص ۱۸۰۶) به «نهایت استحضار او در علم تاریخ» نیز مربوط به همین موضوع است.

۵. اشعار

تقی‌الدین اوحدی (عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶) قوسی را صاحب اشعار بسیار از قصیده و غزل و غیره دانسته است و از سخن او برمی‌آید که این شاعر دیوانی داشته که به دست ما نرسیده است. از اشعار برجای مانده او قصیده‌ای است در مدح قاضی نورالله شوشتری که در آن از کسادی متاع هنر و ناروایی بازار شعر شکوه کرده و با اشاره به دوری دوساله خود از یار و دیار، از فقر و فاقه به قاضی نورالله التجا برده و از او یاری خواسته است:

چنان زمانه ز ارباب فضل دارد عار
که علم را نبود جز به جهل استظهار
رواج و رونق بازار دهر بین که بود
به قدر مرتبه جهل، شخص را مقدار
چنان کساد متاع هنر رواج گرفت
که تنگ بر سر تنگ است و بار بر سر بار
غلط شدم چه هنر؟ کو هنر؟ کدام هنر؟
هنر قماش فرنگ است یا متاع تثار
هنر به قدر پیشیزی عزیز اگر بودی
چو سیم ناسره صاحب هنر نبودی خوار...

۸. شفیع‌کدکنی درباره این اثر می‌نویسد: رساله سکنه اگر باقی مانده باشد بی‌گمان از کتابهای خواندنی است و در مطالعات سبک‌شناسیک و عروضی دارای کمال اهمیت است (شفیع‌کدکنی ۱۳۷۵: ۴۹).

به عهد ما که به تحسین خشک خرسندیم
که مدحشان کند از خامی از کمال طمع
دو بیتی از سر اکراه بشنوند و کنند
به این روایی بازار شعر در عجبم
دو سال شد که به جرم هنر زمانه مرا
زمانه بر سر آزار و چرخ مایل جور
گرم زمانه پسندد توأم چنین مپسند
ورم فلک بگذارد توأم چنین مگذار...
(حسینی شوشتری، فردوس، ص ۷۸-۸۶)

نشسته‌اند گروهی به صدر صفاً بار
که بسته باد زبان سخنوران زین عار
در آن میانه حدیث زر و ضیاع و عقار
که وزن و قافیه چون می‌شوند با هم یار...
فکنده دور به صد درد دل ز یار و دیار
سپهر دشمن روی و ستاره دشمن سار...
ورم فلک بگذارد توأم چنین مگذار...
(حسینی شوشتری، فردوس، ص ۷۸-۸۶)

مجموعه‌ای از اشعار قوسی به شماره ۲۸۴۸ در کتابخانه اسعد افندی نگهداری می‌شود که تا چندی پیش از آن آگاهی نداشتیم.^۹ این اشعار که به خط خود شاعر نوشته شده است مشتمل بر یک دیباجه، قصیده‌ای مصنوع در مدح سنان پاشا، و چند قصیده و ترجیع بند دیگر در مدح هموست که در نوزده برگ کتابت شده است. این سروده‌ها اطلاعاتی تازه از زندگی و شعر قوسی دربر دارند که در جایی دیگر نیامده است و به برخی از آنها در بخش شرح احوال قوسی اشاره شد.

از دیگر اشعار نویافته قوسی، قصیده‌ای است که در برگ ۹۲ جنگ شماره ۱۰۶۶ کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی^{۱۰} آمده است. قوسی این قصیده را در بغداد سروده و در آن ورود ممدوح (به احتمال بسیار سنان پاشا) را به بغداد خوشامد گفته است:

۹. آگاهی از این دستنویس را مدیون دوست فاضلم جناب آقای بهروز ایمانی هستم که با مهربانی آن را در اختیار نگارنده قرار داد. «منتش برتر از سپاس من است.»

۱۰. این جنگ که مؤلف آن تقی‌الدین کاشانی (م بین سالهای ۱۰۱۶-۱۰۲۴ق) صاحب تذکره مشهور خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار است، منشآت و نامه‌هایی از مؤلف و دیگران، و منتخباتی از شعر فارسی بعضی از شاعران قدیم و متأخر به خط گردآورنده است (حسینی اشکوری ۱۳۸۰: ۳/ ۲۹۹).

املح الشعرا خواجه مجدالدین سبحان ششتری

ای ستون بارگاهت غیرت ذات العماد
در گه گیتی پناهت ذروه سبب شداد
قبه قدر تو مجموع ملایک را مآب
صفه صدر تو جمهور خلائق را معاد
روی تیر از پرتو رای منیرت مستنیر
عقل پیر از لمعه مهر ضمیرت مستفاد
هم ز عدلت دولت عالی نموده افتخار
هم ز جاهت مدت باقی فزون از اعتداد
خلق تو سازنده آب و چشم تو سوزنده نار
حلم تو پاینده خاک و حکم تو پوینده باد
چار چیزت، چار حیوان بهر استمتاع بزم
آورند از جود صنع کامل رب العباد
کرم ابریشم، حریر و نحل کھساری، عسل
آهوی تاتار، مشک و گربه رنگی، زیاد^{۱۱}
آفتاب و آسمان شد انوری و ازرقی
کآمدندی از ثنا با شاعرانت هم عداد
منتشر از دولتت گشته است در آفاق عدل
مشتهر از مقدمت گشته است در بغداد داد
از قدمت خطه بغداد شد باغ ارم
ملک از کلک تو چون باغ ارم آباد باد
تا چشاند هر دم از غم دشمنت را دهر زهر
نوش کن هر لحظه می، با لعبت (?) و شاد شاد

۱۱. زیاد: ماده معطری که از حیوانی شبیه گربه و دارای خطوط رنگی گرفته می‌شود.

شاد باش ای حافظ تو عالم سه و چهار
دیر زی ای خاضع تو عالم کون و فساد
گر به شعری می‌رسد شعرم عجب نبود از آنک
خاطر اعلی ز شعر من به تحسین کرد یاد
من کی‌ام تا در ضمیر انورم آری، مگر
سعد اکبر را نظر بر طالع من افتاد
از خدای ذوالمنن منت بسی دارم که او
نام مجد ششتری در شاعری دارد به یاد
باد امر نافذت پیوسته مطلق در بقاع
باد حکم قاطعت همواره نافذ در بلاد
رباعی زیر نیز در جنگ شماره ۲۸۶۶/ف محفوظ در کتابخانه ملی به «ملا
مجدالدین شوشتری» منسوب شده و به احتمال بسیار از قوسی است.
خواهی که چو سالکان پیشین گذری باید که ز عقل مصلحت‌بین گذری
رو تیشه به پای صبر نه چون فرهاد کز کوه گران عشق شیرین گذری
از اشعار دیگر قوسی شوشتری، یک قطعه ناقص در مدح «میرمحمدباقرین سید
زین‌الدین علی صدر» (حسینی شوشتری، فردوس، ص ۸۶) و ابیاتی معدود و پراکنده
در تذکره‌ها بر جای مانده است (نک: اوحدی، عرفات، ج ۶، ص ۳۴۷۶؛ ایمان، منتخب،
ص ۳۰؛ نصرآبادی، تذکره، ج ۱، ص ۳۹۷؛ حسینی شوشتری، فردوس، ص ۴۴؛ بهادر،
شمع/انجمن، ص ۶۰۳).

۶. دست‌نوشته‌ها

در پرتو حمایت شاهان و شاهزادگان تیموری و نیز صفویان که پس از آنان روی

کار آمدند، از قرن نهم تحولی در هنرهای ظریف به وجود آمد که تا مدت‌ها ادامه داشت.

عده‌ای از شاعران این دوران را می‌شناسیم که از موسیقی و خط و گاه نقاشی و تذهیب اطلاع و یا در آنها مهارت داشته‌اند و همچنین بودند کسانی که اشتها به خوشنویسی یا موسیقی و نقاشی داشتند ولی هنر شاعری را نیز بر هنرهای دیگر خود می‌افزودند (صفا ۱۳۵۶: ۱۷۰/۴).

در شرح احوال قوسی نیز تذکره‌نویسان به هنر خوشنویسی او اشاره کرده‌اند. به گفته مؤلف خیرالبیان قوسی «نسخ و تعلیق و شکسته را خوب می‌نوشته» (سیستانی، خیرالبیان، گ ۱۲۴) و در تذکره لطایف‌الخیال (حسینی شوشتری، فردوس، ص ۴۴) و شمع‌انجمن (بهادر، شمع‌انجمن، ص ۶۰۳) نیز «حسن خط» او ستوده شده است. در فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف، دو کاتب با نام مجدالدین علی شوشتری دیده می‌شوند که تنها یکی از آنها تخلص قوسی را در ادامه نام خود ذکر کرده است و تاریخ کتابت سه دستنویس بر جای مانده از او با دوره زندگی قوسی شوشتری مطابقت دارد.^{۱۲} از این سه نسخه، دو دستنویس نخست متعلق به مجموعه مهدی بیانی است که امروز از سرنوشت آنها اطلاعی نداریم:

۱۲. کاتب دیگر که سالها پس از قوسی می‌زیسته و نام کامل خود را در یکی از دستنویسها (صدرایی

۱۳۸۸: ۲۱۴۷/۴) «مجدالدین علی بن خواجه مراد شوشتری» ذکر نموده، نسخه‌های زیر را کاتب کرده است: (۱) *جنة الامان الواقیه و جنة الايمان الباقیه (=المصباح)* تألیف ابراهیم بن علی کفعمی (۸۴۰-۹۰۵ق): کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱/۶۵ (ص ۷۸۸-۲) به خط نسخ و مورخ ۱۰۷۷ق (حائری ۱۳۴۶: ۷/۲۹۴)، کتابخانه علامه طباطبایی شیراز به شماره ۱۳۸۳ به خط نسخ و مورخ شنبه ۱۲ محرم ۱۰۸۰ (حافظیان بابلی ۱۳۸۴: ۲/۱۴۰)، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۵۹۶ به خط نسخ متوسط معرب و مورخ جمعه ۵ جمادی‌الثانی ۱۰۸۵ (فاضل ۱۳۵۵: ۱/۶۷).

(۲) *روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان* تألیف زین‌الدین بن علی شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ق): کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم به شماره ۵۹۸۰-۵۲/۳۰ به خط نسخ و مورخ جمعه ۱۷ صفر ۱۰۶۳ (صدرایی ۱۳۸۸: ۲۱۴۷/۴).

(۳) *هفت گنج یا سبعة سیاره سروده محمدحسن زلالی خوانساری* (م ۱۰۳۱ق): کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره ۴۷-ج مورخ ۱۰۸۰ (دانش پژوه ۱۳۳۹: ۱/۵۲۳).

۶. ۱. مثنوی خضرخانی و دولرانی

سروده امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ق)، مورخ ۹۹۵ق و به خط نستعلیق تحریری بد (بیانی ۱۳۴۰: ۱۰/۱).

۶. ۲. مجموعه دواوین

مورخ ۹۹۵ق و به خط نستعلیق تحریری بد مشتمل بر: ۱. دیوان ظهیرالدین فاریابی، ۲. دیوان انوری، ۳. دیوان فغانی، ۴. دیوان عبدالواسع جبلی، ۵. دیوان شمس طبسی، ۶. منتخب دیوان سنایی، ۷. دیوان خاقانی، ۸. دیوان سید حسن غزنوی، ۹. دیوان فضولی بغدادی، ۱۰. دیوان امیر خسرو دهلوی، ۱۱. رباعیات میر معیث همدانی متخلص به محوی، ۱۲. ترجیعات شیخ سعدی (بیانی ۱۳۴۰: ۱۵/۱).^{۱۳}

۶. ۳. دیوان خاقانی

مجدالدین علی قوسی این نسخه را که به شماره ۹۷۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، در سال ۹۹۹ق در کربلا استنساخ کرده و در آن حدود پانزده هزار بیت از اشعار خاقانی را به خط شکسته نستعلیق گرد آورده و مقابله و تصحیح کرده است (حائری ۱۳۵۳: ۳/۲۲۴). بی تردید این نکته که کاتب این دستنویس ادیبی محقق بوده است، ارزش و اعتبار تازه‌ای به آن می‌بخشد و باید در تصحیح اشعار خاقانی مد نظر قرار گیرد.

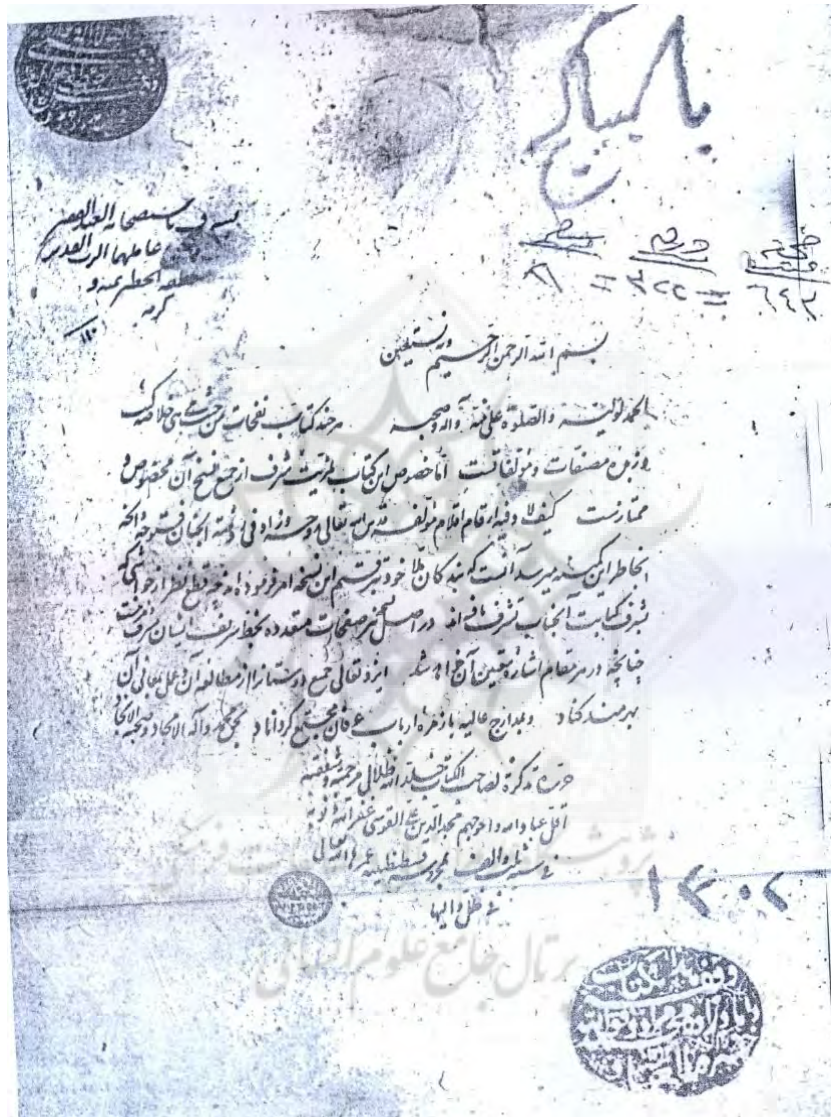
۷. نتیجه

قوسی شوشتری از ادیبان گمنام دوره صفوی است که افزون بر سرودن شعر، در حوزه‌های مختلف ادب و تاریخ نیز صاحب آثاری بوده است که هیچ‌یک به دست ما نرسیده است. وی همچنین در هنر خوشنویسی مهارتی داشته و به کتابت دیوانهای

۱۳. از این مجموعه، دیوان شمس طبسی و دیوان سید حسن غزنوی، هنگام تصحیح دیوان این شاعران مدتی در اختیار تقی بینش (طبسی ۱۳۴۳: ۴۷ و ۴۸) و مدرس رضوی (غزنوی، دیوان، ص ۴۱۲) بوده است.

برخی شاعران پرداخته است. اطلاعات تازه‌ای که در این مقاله درباره زندگی، تألیفات، اشعار و دستنوشته‌های قوسی ارائه شده است، نشان می‌دهد که وی در میان اقربان خود صاحب شهرت و اعتباری بوده و آثار او در رشته‌های مختلف مورد استفاده اهل تحقیق قرار گرفته است. از سوی دیگر آگاهی ما از مقام علمی و ادبی این ادیب محقق، اعتبار و اهمیت دستنوشته‌های او را نیز دوچندان می‌کند.

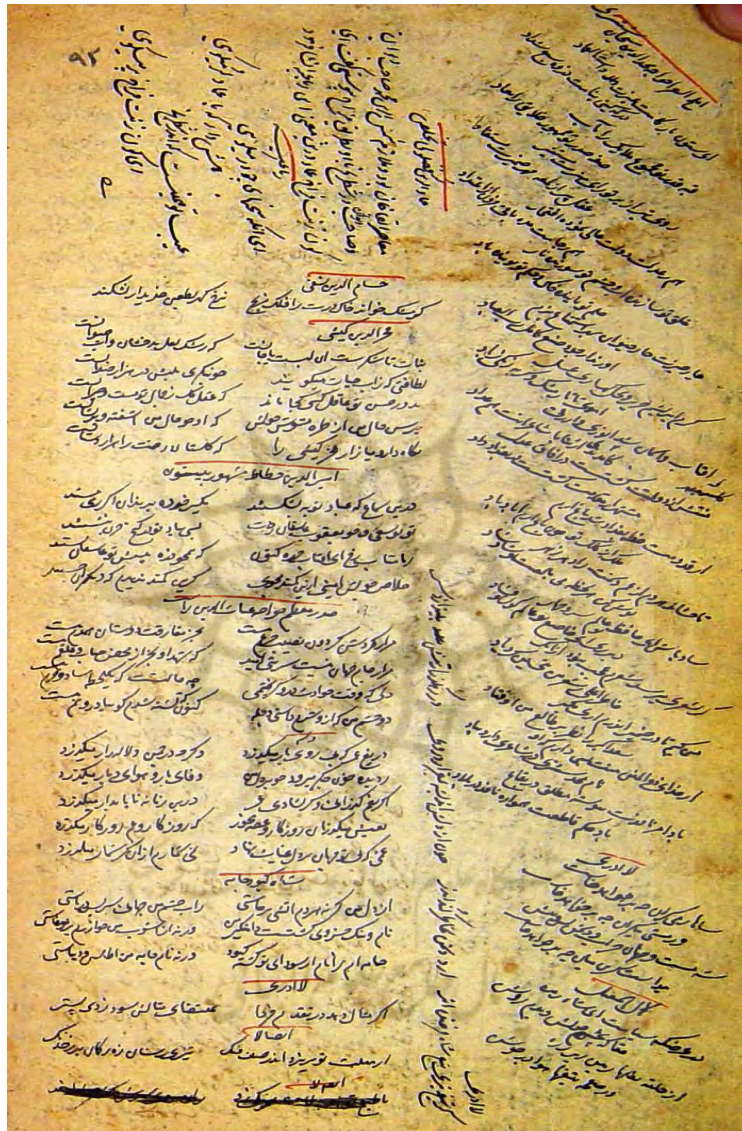




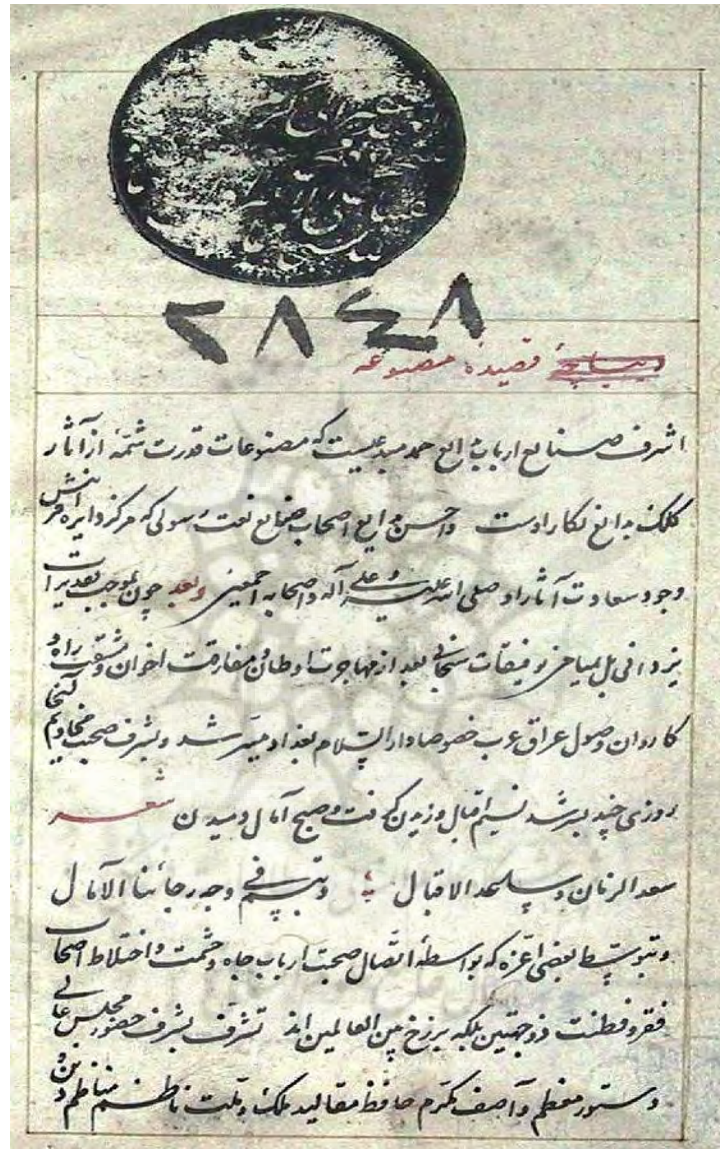
تصویر ۱. یادداشت قوسی شوشتری در آغاز دستنویس نجات‌الانس



تصویر ۲. انجام دیوان خاقانی به خط قوسی



تصویر ۳. قصیده قوسی در جنگ شماره ۱۰۶۶ کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی



تصویر ۴. آغاز دستنویس مجموعه‌ای از اشعار قوسی در کتابخانه اسعد افندی

منابع

- اوحدی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین*، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران، میراث مکتوب و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- ایمان، رحم‌علیخان، *منتخب‌اللطایف*، تصحیح حسین علیزاده و مهدی علیزاده، تهران، طهوری، ۱۳۸۶ ش.
- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، *آتشکده*، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸ ش.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، *تنبیه‌الغافلین*، تصحیح سید محمد اکرم، لاهور، دانشگاه پنجاب، ۱۳۶۰ ش.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، *سراج منیر*، تصحیح سید محمد اکرم، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۹۷ ق.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، *مثمر*، تصحیح ریحانه خاتون، کراچی، ۱۹۹۱ م.
- آزاد کشمیری، محمدعلی، *نجوم السماء فی تراجم العلماء*، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲ ش.
- بهادر، صدیق حسن خان، *تذکره شمع انجمن*، تصحیح محمدکاظم کهدویی، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۵ ش.
- بیانی، مهدی، ۱۳۴۰، «فهرست مجملی از منظومات فارسی»، *نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، دفتر اول.
- *تاریخ ایران در دوره صفویان*، ۱۳۸۰، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، *نفحات الأنس من حضرات القدس*، تصحیح محمود عابدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
- چندبهار، لاله‌تیک، *بهار عجم*، تصحیح کاظم دزفولیان، تهران، طلایه، ۱۳۸۰ ش.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل، ۱۳۸۴، *نسخه‌پژوهی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حائری، عبدالحسین، ۱۳۴۶، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس*، ج ۷، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حائری، عبدالحسین، ۱۳۵۳، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس*، ج ۳، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

- حسینی اشکوری، سید احمد، ۱۳۷۱، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم، کتابخانه مرعشی.
- حسینی اشکوری، سید احمد، ۱۳۸۰، فهرست کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، تهران، مرکز احیاء التراث اسلامی.
- حسینی شوشتری، علاء‌الملک، فردوس، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش.
- خوشگو، بندرین داس، سفینه خوشگو، تصحیح کمیل اصغر، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- داغستانی، علیقلی واله، ریاض‌الشعرا، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۳۹، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران.
- رامپوری، نجم‌الغنی خان، ۱۹۱۹ م، نهج‌الادب، لکهنو، نول کشور.
- رشیدی، عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی، فرهنگ رشیدی، تصحیح محمد عباسی، تهران، کتابفروشی بارانی، ۱۳۳۷ ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۳، سیری در شعر فارسی، تهران، نوین.
- سام‌میرزای صفوی، تحفه سامی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمغان، ۱۳۱۴ ش.
- سیستانی، شاه حسین بن غیاث‌الدین محمود، خیرالبیان (ت ۱۰۸۷ ق)، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۲۳.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۵، شاعری در هجوم منتقدان، تهران، آگه.
- صدرایی، علی، ۱۳۸۸، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۸، تهران، فردوس.
- طبسی، شمس‌الدین محمد، دیوان، تصحیح تقی بینش، مشهد، چاپخانه زوار، ۱۳۴۳ ش.
- علی ابراهیم خلیل، صحف ابراهیم، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ش ۲۹۷۴.
- غزنوی، سید حسن، دیوان، تصحیح مدرس رضوی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲ ش.
- فاضل، محمود، ۱۳۵۵، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی

مشهد، مشهد، دانشگاه فردوسی.

- قوسی شوشتری، مجدالدین علی، مجموعه اشعار، نسخه کتابخانه اسعد افندی، ش ۲۸۴۸.
- مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۱، دایرةالمعارف فارسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر و کتابهای جیبی.
- منشی، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ ش.
- نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ ش.
- نوایی، میر نظام الدین علیشیر، مجالس النفاثس، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۳ ش.
- نوشاهی، عارف، ۱۳۸۱، «سراج اللغه»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۴.

